

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod:Y6SH24A172112 ISSN-P: 2538-3701

آزادی مشروط زندانیان در حقوق ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۱۲/۱۸)

دکتر حسین یاراحمدی^۱

فرزانه حاجی زاده

چکیده

آزادی مشروط، آزادی است که قبل از تمام شدن دوره محکومیت به برخی از محکومان داده می شود تا در صورت رعایت شروط دادگاه، مابقی مجازات خود را در زندان نباشند. تخفیف هایی از این دست در قانون به صورت نظام نیمه آزادی و عفو قانونی پیش بینی شده است. مدت آزادی مشروط شامل بقیه مدت مجازات می شود اما دادگاه می تواند آن را تغییر دهد. به طور کلی آزادی مشروط نمی تواند از یک سال کمتر و از پنج سال بیشتر باشد به جز در مواردی که مدت باقی مانده از حبس، کمتر از یک سال باشد که در این صورت مدت آزادی مشروط معادل بقیه مدت حبس است. مجرمی که با آزادی مشروط به جامعه بازگردانده شده تحت مراقبت و پایش قرار دارد و در عین حال که تحت نظر مقامات انتظامی است، تحت حمایت های درمانی نیز قرار دارد. با توجه به اهمیت این موضوع در این مقاله قصد داریم به صورت دقیق تر به بررسی و تاریخچه، اهداف و آثار آزادی مشروط در حقوق ایران پردازیم. روش تحقیق از نوع تحلیلی-توصیفی بوده و ابزار گردآوری داده ها فیش برداری و استفاده از کتب و مقالات مرتبط است.

واژگان کلیدی: آزادی مشروط، محکوم به حبس، زندان، مجرم، حقوق کیفری، مجازات،

نظام نیمه آزادی

بخش اول: بررسی و شناخت تاریخچه آزادی مشروط

آزادی مشروط برای اولین بار در سال ۱۳۳۷ وارد حقوق کیفری ایران شد. آزادی مشروط نوعی آزادی است که در صورت وجود شرایط قانونی می توان آن را اعمال کرد. تخفیف هایی از این دست در قانون به صورت نظام نیمه آزادی و عفو قانونی پیش بینی شده است. البته آزادی مشروط و نیمه آزادی همانطور که از نام آنها بر می آید درباره مجازات حبس هستند و درباره سایر مجازاتها نمی توان آنها را اعمال کرد. آزادی مشروط امروز در ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ شناخته شده است. در این بخش به بررسی تاریخچه نهاد آزادی مشروط از زمان تاسیس در کشورهای مختلف و روند حقوقی آن در قوانین ایران می پردازیم.

بند اول: آزادی مشروط زندانیان در جهان

در رابطه با اینکه برای اولین بار چه زمانی این مفهوم حقوق کیفری وارد پروسه عملی دانش حقوق کیفری گردید اختلاف وجود دارد. اما غالب اندیشمندان، اصالت این مفهوم را منتسب به حقوق کیفری بریتانیا در سده های میانی می دانند. در آن زمان در بریتانیا، اعمال مجازات های سنگین، یک اتفاق عادی در روند قانونی و قضایی کشور به شمار می رفت. قضات از انشای حکم حبس بیشتر از ۲۰ سال برای کودکان و بزرگسالان ابایی نداشتند. در این زمان مجازاتهایی مانند تشهیر، شلاق، قطع عضو و اعدام بسیار عادی به شمار می رفت و بعد از این جرایم حبس های طویل المدت به عنوان مرحله بعدی قرار داشت. در زمان پادشاهی هنری هشتم، مجازات نزدیک به ۲۰۰ نوع از جرائم، مرگ به شمار می رفت لذا این اتفاقات و این برخوردهای خشن منجر به نارضایتی های عمده در بخش های متری جامعه انگلیس گردید و بسیاری از اشراف این گونه مجازات ها را دارای اثرات بسیار مخرب بر جامعه انگلیس می دانستند و معتقد به این بودند که این خشونت بیش از حد بر ذهن و روان افراد تأثیر می گذارد و به جای کاهش جرائم منجر به باز تولید خشونت می گردد. لذا به طور قاطعانه اما آرام در تلاش برآمدند تا مجازات های غیر انسانی را با بکارگیری روشهای متعددی از بین ببرند. یکی از مواردی که این طبقه معتقد به تغییر آن بودند حبس های طویل المدت بود که به اعتقاد آنها هیچ تأثیری در روحيات فرد نداشته و بعد از مدتی فرد زندانی تنها حس انتقام را در وجود خویش تقویت می نماید. در چنین شرایطی یکی از اولین اقدامات این بود که متهمین می

توانستند در ازای پرداخت مبلغی، بخشی از مجازات خویش را کم نمایند و یا به قضات این اجازه داده می شد تا بتوانند با تفسیری ملایم و مضیق نسبت به متهمین برخورد نمایند. در چنین شرایطی ثمره این تلاش ها این بود که دادگاه های انگلستان، شروع به اعطای آزادی برای رفتاری خوب نمودند. این مفهوم که به عنوان شکلی از آزادی مشروط و موقت به شمار می رود در طی آن، مجرم می تواند تقاضا کند که بجای زندان، در جامعه حضور یابد و ثابت نماید که از وجود مجازات متنبه گردیده و رفتاری مناسب و جامعه پسند در پیش بگیرد (Stiff, ۱۹۹۳, p. ۹۵). آنچه که امروز در انگلستان تحت عنوان آزادی مشروط به رسمیت شناخته شده برای نخستین بار در شهر شفیلد مورد استفاده قرار گرفت و با توجه به مزایایی که از خود نشان داد و زندانی را از زندان و عواقب نابهنجار آن دور می ساخت، مورد توجه و استقبال زندانیان واقع گردید و در آن زمان آزادی مشروط به عنوان روشی از تنبیه شناخته گشت که توأم با توجه به پایه های آموزشی و جامعه شناختی برای مجرمین متفاوت، به سبک های گوناگون اجرا گشت. در بریتانیا وظیفه این امر بر عهده هیات آزادی مشروط است که در سال ۱۹۶۷ تاسیس شد و موقعیت این هیات در قانون دادرسی کیفری ۱۹۹۶ تحت عنوان هیات عمومی دولتی تصدیق گشت که هدفش بوجود آوردن فرصتی مناسب جهت بازگشت موفق زندانی به جامعه به واسطه عدالت است.

بند دوم: در حقوق ایران بعد از انقلاب اسلامی

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ضمن پذیرش تاسیس آزادی مشروط و توجه به ضرورت و فواید عملی آن، نه تنها باعث تغییر برخی از مقررات آزادی مشروط زندانیان گردیده و یا آنها را به گونه ای اصلاح نموده است بلکه نهاد جدیدی تحت عنوان « نظام نیمه آزادی » را وارد این قانون نموده است. به موجب ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی « نظام نیمه آزادی شیوه ایست که بر اساس آن محکوم می تواند در زمان اجرای حکم حبس فعالیت های حرفه ای، آموزشی، حرفه آموزی، درمانی و مانند آنها را در خارج از زندان انجام دهد. این فعالیت ها زیر نظر مراکز نیمه آزادی قرار دارد که در سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تأسیس می شود. (شامبیاتی، ۱۳۹۲، ص ۱۷۹).

در ایران، قانونگذار شرایط اعطاء آزادی مشروط را به شرح ذیل تعیین نموده است:

- پیشینه کیفری: محکومیتی که برای اولین بار به علت ارتکاب جرمی به مجازات حبس محکوم شده باشد.
- تحمل قسمتی از مجازات: در جرائمی که کیفر قانونی آنها بیش از سه سال حبس است مجازات را و در جرائمی که مجازات آنها تا ۳ سال حبس است نصف مجازات را گذرانده باشد.
- طرز کار و رفتار رضایت بخش باشد: محکوم در مدت اجرای مجازات مستمراً حس اخلاق نشان داده باشد.
- ظن ارتکاب جرم در آینده نباشد: از اوضاع و احوال محکوم پیش بینی شود که پس از آزادی دیگر مرتکب جرمی نخواهد شد.
- جبران ضرر و زیان: تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیانی که حکم دادگاه یا مورد موافقت مدعی خصوصی واقع شده بپردازد یا قرار پرداخت آنرا بدهد.
- پرداخت جزای نقدی: در مجازات حبس توأم با جزای نقدی مبلغ مزبور را بپردازد و یا با موافقت دادستان ترتیبی برای پرداخت داده شده باشد.
- مقام صلاحیتدار برای صدور حکم آزادی مشروط: جهت پیشنهاد آزادی مشروط رئیس زندان محل گذراندن محکومیت و رئیس دادگستری شهرستان یا استان محل بایستی سوابق کیفری و تحمل قسمتی از مجازات را تأیید کند. دادگاه صادر کننده دادنامه محکومیت قطعی در صورت احراز شرایط مذکور می تواند حکم به آزادی مشروط صادر نماید.
- در صورت انحلال دادگاه صادر کننده حکم، صدور حکم آزادی مشروط از اختیارات دادگاه جانشین است.
- طبق ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰: صدور حکم آزادی مشروط منوط به پیشنهاد سازمان زندانها و تأیید رئیس دادگستری شهرستان یا استان است.
- در بند ج ماده ۷۴ پیشنهاد آزادی مشروط جزو وظایف شورای طبقه بندی که به ریاست رئیس زندان و معاونین و عضویت مسئولین فرهنگی و انتظامی و قضائی زندان و یک نفر متخصص علوم جرم شناسی تشکیل می شود قید گردیده است.

- تعیین شرایط: دادگاه صادر کننده حکم می تواند شرایطی به شرح زیر در متن حکم قید کند:

- سکونت در محل معین

- خودداری از سکونت در محل معین

- خودداری از اشتغال به شغل خاص

- معرفی نوبه ای خود به مراکز تعیین شده و امثال آن

- مدت آزادی مشروط: مدت آزادی مشروط به تشخیص دادگاه کمتر از یکسال و زیادتر از ۵ سال نخواهد بود.

- لغو حکم آزادی مشروط: در صورت تخلف آزاد شده از شرایط مذکور در متن حکم یا ارتکاب جرم مجدد، بقیه محکومیت وی به حکم دادگاه صادر کننده حکم به مرحله اجرا در می آید.

انتقاد: مفاد مواد مربوط به آزادی مشروط مورد ایراد است زیرا شرط اول استفاده از آزادی مشروط منوط به محکومیت برای اولین بار است و حق استفاده از آزادی مشروط، از محکومیتی که تکرار جرم دارند سلب شده است در صورتی که هدف از اعطاء آزادی مشروط، عادت دادن محکومین به محیط عادی اجتماعی است در این مورد این سوال پیش می آید آیا محکومیتی که تکرار جرم دارند چگونه برای سازگار بودن و تطبیق دادن رفتار خود با محیط آزاد باید تربیت و اصلاح شوند؟ آنان که امیدی به استفاده از آزادی مشروط را ندارند طرز کار و رفتار آنان چه نتایج خواهد داشت؟ اعطاء آزادی مشروط یکی از اصول مهم اجرای روشهای اصلاحی و تربیتی و عادت دادن زندانیان به کار و رفتار و کردار نیک است جامعه نباید کسانی را که تکرار جرم دارند مطرود تلقی نماید تمام محکومین، باید برای زندگی عادی اجتماعی ترغیب و تشویق شوند. ایراد مهمتر اینکه از اوضاع و احوال محکوم نمی توان پیش بینی کرد که پس از آزادی دیگر مرتکب جرمی نخواهد شد. تاثیر عوامل فردی و اجتماعی در ارتکاب جرائم قابل پیش بینی حتمی و قطعی نیست.

بخش دوم: بررسی و شناخت فواید آزادی مشروط

فواید آزادی مشروط عبارتند از: ۱- کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها ۲- فراهم سازی زمینه بازگشت به جامعه ۳- کاهش هزینه‌های دولت ۴- تاثیر مثبت بر عملکرد فرد در زندان ۵- ابزار مقابله برای تکرار جرم ۶- صرفه جویی در بودجه عمومی کشور ۷- انطباق با هنجارهای جامعه ۸- حفظ بنیان خانواده. در ذیل به بررسی این موارد پرداخته می‌شود.

بند اول: کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها

در رابطه با آزادی مشروط امری که حائز اهمیت است این بوده که تمام کشورها در حال حاضر در صدد کاهش جمعیت کیفری زندانیان می‌باشند. در استانداردهای بین‌المللی که توسط سازمان ملل هر ساله ارائه می‌گردد، تعداد بالای افراد حاضر در زندان‌ها، نمایان‌گر وضعیت نامناسب آن جامعه به شمار می‌رود. به عنوان مثال در بسیاری از پیش‌فرض‌ها در این مورد، تعداد زیاد زندانیان نمایان‌گر ناکارآمد بودن قوانین و همچنین بازدارنده نبودن مجازات به شمار می‌رود. لذا در این فرض وجود آزادی مشروط و گسترش اعطای آن به زندانیان مختلف باعث کاهش جمعیت کیفری و به طبع باعث بهبود استانداردهای جهانی مربوطه در این زمینه می‌شود.

بند دوم: فراهم سازی زمینه بازگشت به جامعه

آزادی مشروط زندانیان فرصتی است که پیش از پایان دوره محکومیت به محکومان به حبس داده می‌شود. در این فرض نکته‌ای که حائز اهمیت است این امر می‌باشد که زندانی می‌تواند زودتر از موعدی که قرار بوده به جامعه بازگردد در آغوش اجتماع قرار گیرد. بدیهی است که حضور در اجتماع و جامعه به عنوان یک غنیمت برای فردی که در زندان است به شمار می‌رود. لذا بهره‌گیری از آزادی‌های فردی و امکاناتی که در جامعه برای افراد فراهم می‌شود با اعطای آزادی مشروط محقق می‌گردد.

بند سوم: کاهش هزینه‌های دولت

در رابطه با این مورد، یکی از موارد مشترک در بین همه دولت‌ها این است که دولت‌ها مسئول حفظ استانداردهای لازم برای زندان‌ها می‌باشند. فردی که به عنوان زندانی در زندان گذران عمر می‌کند دارای حقوقی است. مسئولین زندان موظف هستند که برای زندانیان تغذیه مناسب، بهداشت فردی مناسب و امکانات تفریحی فراهم نمایند. که این امر مستلزم هزینه‌هایی

برای دولت است. لذا کاهش تعداد زندانیان، ارتباط مستقیم با کاهش هزینه های دولت دارد بدین معنا که در فضائیکه همه دولت ها به فکر کاهش هزینه های خود به هر طریقی می باشند، اعطای آزادی مشروط یکی از ابزارهای مهم در این زمینه به شمار می رود. (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۶)

بند چهارم: تاثیر مثبت بر عملکرد فرد در زندان

یکی از دغدغه های مدیران زندان ها، حفظ امنیت در محیط زندان است. در صورتی که زندانیان خود ناظر بر عملکرد خویش می باشند. بدیهی است که زندان دارای فضایی مناسب تر و مساعدتر جهت زیست همگانی خواهد بود در این فرض چنان چه زندانی گام اول خویش را در اصلاح خود بر دارد و رفتاری متناسب با قوانین و مقررات زندان از خود نشان دهد این امر باعث می گردد دادستانی هم با همکاری مسئولان زندان و دادگستری با درخواست آزادی مشروط او موافقت نموده و همکاری لازم را در این زمینه خواهد داشت. که این مورد به عنوان یک بازی برد برد برای طرفین محسوب می شود. بنابر تفاسیر فوق اجرای آزادی مشروط یکی از موارد مهم تشویق زندانیان به کار، حفظ نظم و آرامش، حسن سلوک و خوش رفتاری با دیگران محسوب می گردد. و از اثرات سوء محیط زندان تا حدودی جلوگیری نموده و در اصلاح و تربیت زندانیان نیز در بین مرحله زندان و آزادی بسیار موثر و مفید است. لذا اعطای آزادی مشروط یک نوع گذشت، بخشش، کرامت و سخاوت مقامات قضایی محسوب نمی شود بلکه آزادی مشروط حقی است که قانونگذار به واجدان شرایط اعطا کرده و مرحله ای از اجرای روشهای اصلاحی و تربیتی محسوب می گردد. (Burleigh.p.۶۷)

بند پنجم: ابزار مقابله برای تکرار جرم

یکی از موارد بسیار مهمی که به عنوان فایده و ثمره آزادی مشروط به شمار می رود این است که آزادی مشروط باعث ایجاد انگیزه و تشویق زندانیان به نشان دادن مستمر حسن اخلاق می شود و در عین حال ابزار مهر و شفقت نسبت به کسانی است که در دوران حضور در زندان متنبه شده و از عملکرد خود در گذشته نادم گردیده اند. (همتی، ۱۳۸۵، ص ۱۰)

بخش سوم: مقایسه آزادی مشروط با نهادهای مشابه در حقوق ایران

گفتار اول: آزادی مشروط با تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات

در این گفتار آزادی مشروط با دو نهاد تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات مورد مقایسه قرار می‌گیرد.

بند اول: آزادی مشروط و تعویق صدور حکم

آزادی مشروط از لحاظ حقوقی تفاوت‌هایی با قرار تعویق صدور حکم دارد که به شرح ذیل اشاره می‌گردد.

۱- یکی از بارزترین تفاوت‌های آزادی مشروط و تعویق صدور حکم این است که آزادی مشروط بر اساس ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ یک نوع رای از نوع حکم است در حالی که تعویق صدور حکم، قرار می‌باشد.

۲- در آزادی مشروط پس از صدور حکم آزادی موقت، در حین آزادی نیازی به اخذ تامین نیست. اما بر اساس تبصره ۲ ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی، دادگاه می‌تواند تامین مناسب اخذ نماید.

۳- مدت قرار تعویق صدور حکم شش ماه تا دو سال است ولی این مدت در آزادی مشروط یک تا پنج سال است.

۴- در صورت عدم توجه به دستورات دادگاه در آزادی مشروط یک تا دو سال بر اساس ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به مدت آزادی مشروط افزوده می‌شود ولی در تعویق صدور حکم حداکثر مدت افزایش، یکسال بوده که بر اساس ماده ۴۴ قانون مزبور می‌باشد.

بند دوم: آزادی مشروط با تعلیق مجازات

تعلیق اجرای مجازات یک وسیله اغماض و ارفاقی است که دادگاه با رعایت شرایطی به مجرم اعطا می‌کند اما در قانون مجازات اسلامی، تعریفی از تعلیق اجرای مجازات دیده نمی‌شود. به طور کلی تعلیق اجرای مجازات عبارت از روش قانونی تعدیل مجازات است که به موجب آن دادگاه با رعایت شرایطی می‌تواند اجرای مجازاتی را که در دادنامه قید گردیده است، برای مدت معینی که در قانون لحاظ گردیده، با هدف اصلاح و تربیت مجرم به تاخیر اندازد. بنابر این تعلیق اجرای مجازات یکی از راههای قانونی اعطای فرصت به مجرم برای خودداری از ارتکاب جرم و آماده شدن برای بازگشت مجرم به زندگی عادی در جامعه است. از دیدگاه

علمای حقوق آزادی مشروط تفاوت‌هایی با تعلیق اجرای مجازات دارد که در ذیل به آن اشاره خواهد شد.

۱- یکی از بارزترین تفاوت آزادی مشروط با تعلیق اجرای مجازات این است که وفق مقررات ماده ۳۲ قانون مجازات اسلامی سابق و ماده ۵۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مشروط بر اینکه، اگر محکوم علیه از تاریخ صدور قرار تعلیق اجرای مجازات در مدتی که از طرف دادگاه مقرر گردیده مرتکب جرم عمدی موجب حد، قصاص، دیه و تعزیر تا درجه هفت نشود محکومیت تعلیقی وی بی اثر و از سجل کیفری او محو میگردد. در صورتی که در آزادی مشروط با وجود رعایت تمامی شرایط مقرر در قانون، همچنان سابقه محکومیت در سجل کیفری او منعکس و باقی می ماند. (شامبیاتی، ۱۳۷۶، جلد دوم، ص ۴۶۰)

۲- آزادی مشروط از این جهت که باعث معافیت یک قسمت از مجازات محکوم علیه می شود با قرار تعلیق اجرای مجازات بی شباهت نیست با این تفاوت که در تعلیق اجرای مجازات محکوم علیه بدون اعمال و تحمل آنچه بدان محکوم شده است رها می شود یعنی اصلاً وارد زندان نمی شود لیکن در آزادی مشروط محکوم علیه نه تنها از یک قسمت از کیفرش معاف می شود آنهم بطور موقت تا احراز شرایط قطعیت آن، لذا آثار سیستم آزادی مشروط به نسبت از تعلیق اجرای مجازات محدودتر است (علی آبادی، ۱۳۵۲، جلد دوم، ص ۳۵۷)

۳- تفاوت دیگر آزادی مشروط با تعلیق اجرای مجازات در حکم و قرار است. بدین گونه که مطابق مقررات ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، قرار تعلیق اجرای مجازات به وسیله دادگاه ضمن حکم محکومیت یا پس از صدور آن صادر می گردد در صورتیکه حکم به آزادی مشروط پس از قطعیت حکم، حبس محکوم علیه و سپری شدن مدت مقرر در قانون صادر و قابلیت اجرا دارد. به موجب ماده ۵۸ قانون جدید مجازات اسلامی ۱۳۹۲، آزادی مشروط یک نوع رای از نوع حکم است نه قرار.

۴- در تعلیق اجرای مجازات به مجرد قطعیت حکم، تمام آثار تکمیلی و تبعی مجازات محکوم علیه را زائل می نماید (ماده ۵۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) به عکس آزادی مشروط که آثار تکمیلی و تبعی مجازات را حتی بعضاً پس از آزادی محکوم علیه به همراه دارد (علی آبادی، ۱۳۵۲، جلد دوم، ص ۳۵۷) و از اینکه تعلیق اجرای مجازات تمام آثار سوء قانونی و

اجتماعی را برای محکوم علیه امحاء می کند نباید تعجب نمود بلکه شگفت این است که محکوم علیه در آزادی مشروط حتی پس از قطعیت حکم آزادی اش تا پایان عمر نامش در لیست سجل کیفری باقی می ماند در حالی که با سپری نمودن محکومیت تاوان جرم ارتكابی خود را داده است.

۵- محکوم علیه در جریان صدور حکم آزادی مشروط توسط دادگاه می تواند آن را قبول یا رد نماید. در صورت پذیرش آزاد گردیده و به اجتماع بر می گردد و در غیر این صورت باقیمانده حبس را تحمل می کند اما پس از صدور قرار تعلیق اجرای مجازات امکان استتکاف مجرم از آن نیست در حالیکه موظف به پذیرش آن است.

۶- به جهت حضور در زندان و درک شرایط سخت آن محکومینی که از آزادی مشروط استفاده می کنند از جهت ارتكاب جرم در آینده، کمتر از محکومینی هستند که از قرار تعلیق بهره می برند. چون در آزادی مشروط محکوم مواجه با زندان و تحمل فضای تلخ آن است ولی محکومین تعلیقی با این محیط آشنایی ندارند و ضمن صدور حکم محکومیت از آن برخوردار می شوند.

۷- در تعلیق اجرای مجازات، تعلیق به مجازات نقدی و غیر نقدی تعلق می گیرد در حالیکه در آزادی مشروط فقط به مجازاتهای حبس تعزیری تعلق می گیرد.

گفتار دوم: آزادی مشروط با عفو و نظام نیمه آزادی

در این گفتار نهاد آزادی مشروط با دو نهاد عفو و نظام نیمه آزادی مقایسه می گردد.

بند اول: آزادی مشروط و عفو

مفهوم عفو در همه نظام های کیفری دارای جایگاه ویژه ای است. نظام های جزایی از این نهاد حقوقی برای برای تجدید نظر در مجازات محکومانی استفاده می کنند که ادامه ندادن به مجازات آنها، از خود مجازات آنها به صرفه تر است. در کشور ما نیز عفو دارای شرایط ویژه ای است و بررسی اختصاری عفو پیش از بیان افتراق آن، با آزادی مشروط مفید فایده خواهد بود. عفو در یک معنای کلی به دو نوع عمومی و خصوصی تقسیم می شود. عفو عمومی به موجب قانون اعطا می گردد و عفو خصوصی که فقط ناظر به مجازات است توسط بالاترین مقام در کشور ما این امر با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه و تأیید مقام معظم رهبری صورت می

گیرد. در واقع، عفو عمومی از مجازات لغو تعقیب است و عفو خصوصی از موجبات لغو مجازات و در عفو عام قانونگذار که خود مرجع تعیین جرم و مجازات می باشد با وضع قانون جدید وصف مجرمانه را از اعمالی که جرم بوده منع می کند و در عفو خاص با اعمال گذشت، تمام یا قسمتی از مجازات بخشیده می شود. آزادی مشروط دارای تفاوت هایی با عفو است که در ذیل به آنها اشاره می گردد:

۱- آزادی مشروط تنها اختصاص به مجازات حبس تعزیری دارد اما عفو چنانچه از قانون پیداست می تواند ناظر به انواع مجازات باشد.

۲- درخواست عفو توسط مجرم یا خانواده او به کمیسیون عفو و بخشودگی تسلیم و در نهایت با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه و موافقت مقام معظم رهبری تأیید می گردد ولی در آزادی مشروط مجرم با رعایت تشریفات قانونی و پیشنهاد سازمان زندانها و با حکم دادگاه اعطا می گردد.

۳- در آزادی مشروط مجرم باید نصف یا ثلث مجازات را تحمل نموده تا از آن برخوردار گردد این در حالی است که عفو تابع سپری مدت معینی نیست.

۴- در عفو برخلاف آزادی مشروط که دارای ضوابط و شرایط مشخص و مندرج در قانون است هیچ گونه شرایطی موجود نیست به گونه ای که عفو حتی شامل مجازات اعدام نیز می شود.

۵- یکی دیگر از تفاوت های عفو و آزادی مشروط این است که در آزادی مشروط اجرای مجازات معلق می شود یعنی چنانچه ذینفع در آزادی مشروط، بر خلاف شرایط و ضوابط حاکم بر اعطای آن عمل نماید به منزله این است که این فرد شایستگی اعطای آزادی مشروط را ندارد فلذا می بایست بقیه مدت حبس خود را سپری نماید در حالی که در عفو، مجازات به طور کامل متوقف می شود و به استناد تبصره ۳ ماده ۱۰ آئین نامه کمیسیون عفو و بخشودگی برای محکومانی که تقاضای آنها از طرف کمیسیون عفو رد شده است پیشنهاد مجدد عفو در صورتی بلا مانع است که علت رد منتفی شده باشد.

۶- با توجه به موارد فوق می توان خاطر نشان ساخت که آزادی مشروط یک نوع عفو نیست بلکه نهاد ویژه ای مختص حبس می باشد که به مثابه ارفاق برای متهم است و از نهاد عفو

کاملاً مجزاست. در این زمینه عده ای معتقدند که نهاد عفو بسیار کاراتر از آزادی مشروط است چرا که ممکن است در آزادی مشروط، فرد تظاهر به اصلاح نماید اما در نهاد عفو بررسی به صورت بسیار جزیی صورت می پذیرد.

۷- تفاوت آخر این دو نهاد این است که عفو از صدر اسلام تا کنون استمرار داشته است و به عنوان اندوخته ای گرانبهاست که میراث اسلام به شمار میرود در حالی که نهاد آزادی مشروط یک نهاد مستحدث به شمار می رود.

بند دوم: آزادی مشروط و نظام نیمه آزادی

با توجه به اینکه نظام نیمه آزادی در سال ۱۳۹۲ وارد قانون مجازات گردیده است لذا به مقایسه آن با نهاد آزادی مشروط به شرح ذیل می پردازیم.

۱- نظام نیمه آزادی شیوه ای است که بر اساس آن محکوم می تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت های حرفه ای، آموزشی، درمانی و نظایر این ها را در خارج زندان انجام دهد ولی در آزادی مشروط این موارد بنا به حکم دادگاه بعد از آزادی زندانی صورت می گیرد نه در حین تحمل حبس.

۲- قانونگذار در نظام نیمه آزادی در حبس های تعزیری درجه پنج تا هفت، سپردن تأمین را شرط استفاده از این نظام دانسته در حالی که در آزادی مشروط اخذ تأمین مناسب موضوعیتی ندارد.

بخش چهارم: بررسی شرایط شکلی آزادی مشروط

اعطای آزادی مشروط علاوه بر شرایط ماهوی دارای شرایط شکلی نیز می باشد. این شرایط به چهار دسته تقسیم می شوند: ۱- شرایط مربوط به محکوم علیه ۲- شرایط مربوط به پیشنهاد دهنده ۳- شرایط مربوط به دوران آزادی مشروط ۴- مرجع صدور حکم. در ذیل به بررسی این شرایط پرداخته می شود.

گفتار اول: شرایط در ارتباط با محکوم علیه

شرایط شکلی در ارتباط با محکوم علیه عبارتند از: ۱- درخواست آزادی مشروط توسط زندانی ۲- لزوم قبول شرایط و ترتیبات قانونی از سوی زندانی

بند اول: درخواست آزادی مشروط توسط زندانی

آئین نامه اجرائی قانون آزادی مشروط زندانیان مصوب ۱۳۳۷ اشاره به این داشت که در صورتی که فردی بخواهد از آزادی مشروط استفاده نماید ابتدائاً باید درخواست خود را مبنی بر استفاده از این امتیاز به دادیار ناظر زندان ارائه نماید اما در قوانین بعدی اشاره ای به این موضوع نشده و در این باره سکوت نموده است مع الوصف رویه بدین گونه است ابتدا زندانی درخواست خود را جهت برخورداری از آزادی مشروط که در فرم خاصی است مطرح می کند البته در صورتیکه زندانی از این امر مطلع نباشد در این مورد اطلاع رسانی لازم در زندان صورت می گیرد (حسب تحقیق از زندان) هر چند که این درخواست یا تقاضا جزء شرایط اعطای آزادی مشروط توسط قانونگذار نبوده ولی برای شروع عرفاً نیاز به این درخواست می رود. البته، این درخواست زمانی باید صورت گیرد که شخص کلیه شرایط مقرر در قانون را دارا باشد که در صورت عدم رعایت این موارد، امکان رد درخواست آزادی مشروط بعید نیست یعنی اینکه زندانی قبل از سپری نمودن (ثلث یا نصف) مجازات این تقاضا را بنماید که باعث رد آن خواهد شد این در حالی است که رد درخواست اتمام کار نیست و مانع درخواست بعدی نخواهد شد و زندانی با تکمیل شرایط مجدداً می تواند این تقاضا را بدهد. بنابراین عدم درخواست زندانی مانع اعطای آزادی مشروط نخواهد شد بلکه نظریه شورای طبقه بندی زندان کافی برای حکم دادگاه است.

بند دوم: لزوم قبول شرایط و ترتیبات قانونی از سوی زندانی

ماده ۶۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می دارد: «دادگاه می تواند با توجه به اوضاع و احوال وقوع جرم و خصوصیات روانی و شخصیت محکوم، او را در مدت آزادی مشروط، به اجرای دستورهای مندرج در قرار تعویق صدور حکم، ملزم کند. دادگاه دستورهای مذکور و آثار عدم تبعیت از آنها و نیز آثار ارتکاب جرم جدید را در حکم خود قید و به محکوم تفهیم می کند.» همانطور که در صدر ماده اشاره گردید قانونگذار با استفاده از عبارت «می تواند» دادگاه را در تعیین محدودیت ها مخیر دانسته که جرم ارتكابی از چه درجه و شدتی بوده است و چه محدودیتی باید برای مجرم در این دوران در نظر گرفته شود که در خور جرم مورد نظر باشد همچنین اگر دادگاه صلاح بدانند می تواند تمامی محدودیتها را بردارد ولی اینکه پس از صدور حکم آزادی مشروط عکس العمل زندانی نسبت به آن چگونه

است ذهن را با پرسشی مواجه می سازد که در صورتی که دادگاه مبادرت به صدور حکم آزادی مشروط و با محدودیت هایی صادر نماید و زندانی موافق آن نباشد یا توانایی خود را در تبعیت از آن کافی نداند تکلیف چیست؟ در پاسخ به این سوال از یک طرف می توان گفت که احکام صادره از جانب دادگاه ها لازم الاجرا هستند و نمی توان آن را نادیده گرفت و زندانی ملزم به پذیرش آنها است. (گلدوزیان، ۱۳۸۶، ص ۶۳) و از طرف دیگر، آزادی مشروط نیز در جهت رفاه حال مجرم اعطا می گردد پس اگر مجرم استفاده از آن را به نفع خود نداند با اصل پیش بینی این امر در تناقض باشد. از جهتی دلیل اعطای آزادی مشروط اینست که پیش بینی شود که دیگر مرتکب جرمی نخواهد شد و به شخصی که اصلاح گردیده اجازه حضور در جامعه داده می شود نه مجرم بنابر این حضور مجرمی که توان اصلاح را در خود نمی بیند و نمی تواند دستوراتی را که در جهت امنیت جامعه در نظر گرفته می شود عملی نماید اعتماد نمود و اجازه حضور در اجتماع را داد چون با اعطای ناصحیح آزادی مشروط امنیت جامعه به خطر می افتد پس با سکوت قانونگذار در این باره بنظر می رسد باید این ترتیبات مورد پذیرش زندانی قرار گیرد و در غیر این صورت آزادی مشروط اعطا نگردد.

گفتار دوم: شرایط درارتباط با مقامات پیشنهاد دهنده

شرایط شکلی در ارتباط با مقامات پیشنهاد دهنده عبارتند از: ۱- پیشنهاد آزادی مشروط ۲- تأیید پیشنهاد آزادی مشروط و صدور حکم.

بند اول: پیشنهاد آزادی مشروط

بر طبق ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ صدور حکم آزادی مشروط منوط به پیشنهاد سازمان زندان ها و تأیید دادستان یا دادیار ناظر بوده است. اما قانون جدید تغییراتی را در این خصوص ایجاد کرده است ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «اعطای آزادی مشروط را با پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام با تصمیم دادگاه دانسته است» پس از درخواست زندانی و ملاحظه آن توسط رئیس زندان، نامبرده دستور بررسی موضوع را به اجرای احکام می دهد اجرای احکام شرایط لازم جهت برخورداری از این امتیاز را بررسی و در صورت حصول تمامی شرایط (سابقه، حسن رفتار و پیش بینی عدم تکرار) پرونده را به شورای طبقه بندی زندان ارائه می نماید. این شورا که متشکل از قاضی ناظر و مسئول قضایی)

مسئول اجرای احکام زندان)، رئیس اندرزگاه (مدیر داخلی بخش)، مسئول بازپروری (مسئول فرهنگی زندان)، مددکار و مسئول انتظامی (فرمانده یگان حفاظت)، روان شناس و رئیس زندان بوده، پرونده شخصیتی زندانی را که توسط مددکار اجتماعی تنظیم گردیده و در اختیار این شورا قرار گرفته را مورد بررسی قرار داده و در صورت موافقت اکثریت اعضا با اعطای آزادی مشروط، پرونده جهت سیر مراحل قانونی تحویل دادستان و پس از دستور ایشان به دادگاه ارسال می گردد. تمامی اعضاء نظرات موافق و مخالف خود را جهت استفاده از آزادی مشروط اعلام می نمایند و با نظر اکثریت اعضاء این پرونده تکمیل می گردد. شایان ذکر است که مسئول حفاظت اطلاعات زندان، ناظر جلسه شورای طبقه بندی است اما در رای گیری نقشی ندارد.

بند دوم: تأیید پیشنهاد آزادی مشروط و صدور حکم

پس از درخواست زندانی و بررسی آن در شورای طبقه بندی زندانها و پذیرش این موضوع که زندانی استحقاق استفاده از آزادی مشروط را دارد پرونده جهت سیر مراحل قانونی تحویل دادستان می گردد. بر اساس ماده ۵۸ قانون جدید دادستان یا قاضی اجرای احکام بعنوان پیشنهاد دهنده محسوب می گردند لازم بذکر است که مراتب الف و ب این ماده (نشان دادن حسن اخلاق و پیش بینی عدم تکرار) پس از گزارش رئیس زندان محل، به تأیید قاضی اجرای احکام می رسد که دادگاه پس از دریافت این پیشنهاد با رعایت شرایط در ماده مذکور حکم آزادی مشروط را صادر می کند سابقاً مطابق ماده واحده سال ۱۳۳۷ و قانون مجازات اسلامی ۱۳۶۱ دادیار ناظر زندان مقام پیشنهاد کننده و دادستان مقام تأیید کننده بود و درجه دادستان بالاتر از دادیار ناظر بوده اما با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مقام دادستان تنزل و با دادیار ناظر در عرض هم قرار گرفتند با اصلاح قانون در سال ۱۳۷۷ رئیس حوزه قضایی در کنار قاضی ناظر زندان و رئیس زندان بعنوان تأیید کننده رفتار و اخلاق زندانی و پیش بینی کننده عدم ارتکاب جرم در آینده ارائه نظر نموده و دادستان یا دادیار ناظر زندان تأیید کننده پیشنهاد محسوب می شدند. وظیفه قاضی اجرای احکام در راستای بند ۳ تبصره ۱ ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۷ که مقرر داشته «هرگاه تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیانی که مورد حکم دادگاه یا مورد موافقت مدعی خصوصی واقع شده پردازد و...» در ماده ۵۸

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به دادگاه واگذار گردیده است که در نهایت بر اساس ماده ۵۸ قانون جدید، قاضی دادگاه با پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام (پس از گزارش رئیس زندان) مبادرت به صدور حکم آزادی مشروط می نماید. همچنین دادگاه مکلف به پذیرش در خواست آزادی مشروط توسط سازمان زندانها نیست و می تواند این در خواست را مردود اعلام نماید. البته دادگاه، باید برای این عمل خود دلیل قانع کننده ای در حکمش لحاظ نماید هر چند قانون در این زمینه با سکوت خود تکلیفی را مشخص ننموده است (نوربها، ۱۳۸۷، ص ۴۳۶، جلد دوم)

بند سوم: شرایط دوران آزادی مشروط

پس از بررسی و قبول آزادی مشروط توسط دادگاه، شعبه می تواند با توجه به اوضاع و احوال متهم و خصوصیات روانی و شخصیتی و مسائلی که موجب ارتکاب جرم گردیده، او را ملزم به اجرای دستوراتی نماید که اجرای این دستورات به نوعی کنترل و بازسازی او محسوب شده که به عنوان قرار تعویق صدور حکم نام گرفته و در حکم قید می گردد. با این حال، دادگاه آثار ارتکاب جرم جدید و عدم تبعیت از دستورات صادره را به محکوم تفهیم و در حکم خود قید می کند. عنوان «تعویق» که در ماده ۶۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد اشاره قانونگذار قرار گرفته است بحث جدیدی می باشد. تعویق صدور حکم عبارت است از به تاخیر انداختن صدور حکم با شرایط خاص برای مدت شش ماه تا دو سال از سوی دادگاه مشروط بر اینکه مجرمیت مرتکب احراز گردیده و ثابت شود نیازی به اعمال مجازات نیست. (زراعت، ۱۳۹۲، جلد دوم، صص ۲۲۳ و ۲۲۴). تعویق بدو شکل است: تعویق ساده و تعویق مراقبتی. تعویق ساده به این معناست که دادگاه پس از احراز مجرمیت متهم بدون تعیین مجازات برای وی مجازات را به تاخیر انداخته و مجرم را آزاد می کند عموماً این تصمیم برای مجرمین با جرایم کم اهمیت در نظر گرفته می شود اما در تعویق مراقبتی محکوم علاوه بر شرایط تعویق ساده که جنبه تعهدی داشته، متعهد می گردد تدابیر مقرر شده توسط دادگاه را در این مدت رعایت نماید البته بنظر می رسد منظور قانونگذار از استفاده این عبارت در ماده ۶۲ قانون مذکور تعویق مراقبتی باشد چون اولاً آزادی محکوم علیه و حضور او در اجتماع نیاز به مراقبت دارد و ثانیاً صراحت ماده ۶۲ صحت این مطلب را بیان می کند. تعویق مراقبتی با توجه

به ماده ۴۳ قانون جدید می تواند به شرح ذیل باشد: « در تعویق مراقبتی، دادگاه صادرکننده قرار می تواند با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتكب و شرایط زندگی او به نحوی که در زندگی وی یا خانواده اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند مرتكب را به اجرای یک یا چند مورد از دستورهای زیر در مدت تعویق، ملزم نماید:

الف- حرفه آموزی یا اشتغال به حرفه های خاص

ب- اقامت یا عدم اقامت در مکان معین برای درمان بیماری یا ترک اعتیاد

ت- پرداخت نفقه افراد واجب النفقه

ث- خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری

ج- خودداری از فعالیت حرفه های مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن

ح- خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه دیده به تشخیص دادگاه

چ- گذراندن دوره یا دوره های خاص آموزش و یادگیری مهارت های اساسی زندگی یا شرکت در دوره های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی»

علاوه بر این موارد دادگاه می تواند محکوم علیه را حسب شرایط مقرر در ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تحت نظارت سامانه های الکترونیکی قرار دهد.

از طرفی قانونگذار در ماده ۵۹ قانون فوق الذکر حداکثر مدت آزادی مشروط را ۵ سال لحاظ نموده است این در حالیست که بر اساس ماده ۶۱ همان قانون این مدت می تواند به ۷ سال نیز تسری یابد به شرطی که زندانی در دوران تعویق مراقبتی از دستورات دادگاه سرپیچی نموده در در نتیجه این سرپیچی می با یست آزادی او لغو و مجدداً روانه زندان شود اما با ترهم قانونگذار و اعطای فرصت مجدد در ماده ۶۱ که با نظر ارفاقی صورت گرفته می تواند ۱ یا ۲ سال دیگر را به مدت آزادی مشروط افزود اگرچه سختی و محدودیتهای فرد آزاد شده بیشتر می شود ولی همین که در محیط خارج از زندان بسر می برد بزرگترین نعمت و رفاه است و می تواند دوباره به زندگی اجتماعی خود برگردد. ولی اگر در این دوران مرتكب جرم جدیدی گردد دیگر چنین فرصتی وجود ندارد و با لغو آزادی مشروط برای گذراندن باقی محکومیت روانه زندان خواهد شد لازم بذکر است تعیین محدودیت توسط دادگاه امری اختیاری و بسته

به نظر دادگاه دارد یعنی قاضی می تواند در دوران آزادی موقت هیچگونه ممنوعیتی را لحاظ نکند اما معمولاً این محدودیتها براساس شدت جرم ارتكابی در نظر گرفته می شود. ممکن است آزادی مشروط بدون هیچگونه قید و محدودیتی صورت پذیرد در این صورت زندانی وظیفه ای جز رعایت قوانین و مقررات کلی کشور نخواهد داشت (صانعی، ۱۳۷۲، ص ۳۰۹)

بند چهارم: مرجع اعطای آزادی مشروط

مطابق ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مرجع اعطای آزادی مشروط دادگاه صادرکننده حکم در نظر گرفته شده است اما قانونگذار مشخص ننموده است کدام دادگاه می تواند حکم آزادی مشروط را صادر نماید. در ماده ۳۸ اصلاحی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۷ قانونگذار، مرجع اعطای آزادی مشروط را دادگاه صادر کننده دادنامه محکومیت قطعی دانسته و این دادگاه می تواند بدوی یا تجدیدنظر باشد که حکم در آن قطعیت یافته است چه با عدم اعتراض حکم دادگاه بدوی قطعی گردد از طرفی، با اعتراض به حکم بدوی و در مرحله تجدید نظر با نقض یا تأیید آن قطعیت می یابد در نهایت در این قانون دادنامه محکومیت قطعی ملاک عمل است. اما در قانون جدید این امر مسکوت مانده و قانونگذار عبارت « قطعی » را بعد از کلمه « حکم » حذف کرده است. اما این امر باعث بروز اختلاف بین شعب بدوی و تجدید نظر گردیده که شعب بدوی دادنامه محکومیت قطعی را ملاک دانسته ولی دادگاه تجدید نظر شعب بدوی را مرجع اعطای آزادی مشروط می داند و به این دلیل استدلال می نمایند " نظر به اینکه در ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی سابق رسیدگی به این موضوع به عهده دادگاه صادر کننده حکم قطعی بوده لیکن در ماده ۵۸ قانون جدید که ناسخ قانون سابق است این امر به عهده دادگاه صادر کننده حکم، قرار داده شد و تعمداً جمله دادگاه صادر کننده حکم قطعی حذف گردیده است زیرا مراقبت های منظور شده در مواد ۵۸ و ۶۰ با رعایت مواد مربوط به تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط را در زمره اجرای حکم قرار داده و همانطوریکه اجرای حکم وفق ماده ۲۸۱ قانون آئین دادرسی کیفری به عهده دادگاه صادر کننده حکم (دادگاه نخستین) است آزادی مشروط نیز به عهده دادگاه نخستین گذارده شد. بنظر این استدلال صحیح نیست بلحاظ اینکه آزادی مشروط خود یک حکم مستقل بوده که محکوم علیه با رعایت شرایط مندرج در ماده ۵۸ قانون جدید از آن برخوردار می گردد ضمناً

دادگاه بدوی (مرجع تالی) پس از اظهار نظر مرجع تجدید نظر (عالی) نمی تواند هیچگونه دخالتی در خصوص آن پرونده (تشدید یا تخفیف) داشته و مرجع تالی با توجه به ماده ۲۸۱ آئین دادرسی کیفری فقط مرجع اجرای حکم است نه صدور حکم یا قرار مجددی که تصمیم گیرنده قطعی آن مرجع تجدید نظر یا هر مرجع عالی دیگری بوده است بنظر می رسد محاکم می توانند در مقام دادرسی به قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۷ در اینخصوص مراجعه نمایند. ضمناً نظریه مشورتی شماره ۴۱ قوه قضائیه نیز موید این مطلب است که اشعار می دارد «منظور از دادگاه صادر کننده حکم در ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دادگاه صادر کننده حکم قطعی است» زیرا طبق ماده ۲۷۸ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، تنها رای قطعی و لازم الاجرا اثر حقوقی دارد و قابل اجراست و هرگونه تغییر در اجرای حکم صادره از جمله آزادی مشروط نیز باید ناشی از تصمیم دادگاه صادر کننده آن باشد بدیهی است در صورتیکه رای دادگاه بدوی ذاتاً قطعی و یا به علت عدم طرح در دادگاه تجدید نظر قطعیت یافته باشد دادگاه صادر کننده رای قطعی، دادگاه بدوی است و چنانچه رای دادگاه بدوی در دادگاه تجدید نظر عیناً تائید و یا این مرجع با نقض رای دادگاه بدوی رأساً مبادرت به صدور حکم نموده باشد دادگاه تجدید نظر، دادگاه صادر کننده رای قطعی محسوب می شود. البته اگر رای دادگاه بدوی در دیوان عالی کشور ابرام گردد مرجع صالح برای صدور حکم آزادی مشروط با توجه به نظریه شماره ۷/۲۵۷۵-۳/۲۷-۱۳۸۰ همان دادگاه بدوی است.

بخش ششم: بررسی آثار قانونی آزادی مشروط

همان گونه که اگر محکوم علیه در این دوران از آزمایشی که قانون برایش در نظر گرفته است سربلند بیرون آید از تحمل مجازات مقرر در حکم معاف می شود. بنابر این محکومیت او زایل نمی گردد و به قوت خود باقی است. یکی از آثار آزادی مشروط این است که اصل مجازات آزادی مشروط به صورت موقت اجرا نمی شود بدین و دارای آثار حقوقی از جمله احتساب برای تکرار جرم و عدم استفاده از تعلیق اجرای مجازات می باشد. (زراعت، ۱۳۹۲، ص ۲۸۶، ج دوم) در دوره آزمایش، زندانی معمولاً مانند سایر افراد جامعه از آزادی مطلق بر خوردار

است. و این در صورتی است که دادگاه در اعطای آزادی مشروط به وی، او را از محدودیت هایی که می تواند اعمال نماید، باز دارد. (بهری، ۱۳۸۱، ص ۳۵۰)

همچنین دادگاه می تواند در صورت لزوم، محکوم علیه را تابع تدابیر نظارتی زیر قرار دهد:

۱- حضور به موقع در زمان و مکان تعیین شده توسط مقام قضایی یا مددکار اجتماعی ناظر
۲- ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل کننده نظارت بر اجرای تعهدات محکوم برای مددکار اجتماعی

۳- اعلام هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابجایی در مدت کمتر از ۱۵ روز و ارائه گزارش به مددکار اجتماعی

و..... که دادگاه می تواند در جرائم تعزیری تا درجه ۵ در صورت وجود شرایط مراقبتی، محکوم به حبس را با رضایت خودش در محدوده مکانی مشخص شده تحت نظارت سامانه های الکترونیکی قرار دهد. (شامبیاتی، ۱۳۹۲، ص ۱۹۱)

ضمناً وقتی حکم آزادی مشروط محکوم به حبس توسط دادگاه صلاحیت دار صادر گردید، کفیل می تواند تقاضای فک قرار کفالت و همچنین صاحب وثیقه نیز می تواند تقاضای فک قرار وثیقه را بنماید.

همچنین آزادی مشروط هیچ گونه اثری در حقوق خصوصی افراد ندارد و حتی اگر شخصی در اجرای ماده ۶۹۶ قانون مجازات اسلامی و یا ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی بازداشت شده باشد. حق در خواست آزادی مشروط را نخواهد داشت. چون این حبس ضمانت اجرای پرداخت حقوق خصوصی اشخاص است. (زراعت، ۱۳۹۲، ص ۲۸۶ و ۲۸۷) از دیگر آثار آزادی مشروط که در ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی جدید بیان گردیده است ممنوعیت محکوم علیه از ارتکاب جرم است. در اینجا قانونگذار مشخص ننموده که صرف ارتکاب جرم توسط آزاد شده باعث فسخ آزادی مشروط می گردد؟ یا اینکه این امر باید از طریق محاکم بررسی و با صدور حکم قطعی، قابلیت اجرا پیدا کند. بنابراین حتی با صدور کیفر خواست هم نمی توان آزادی مشروط را فسخ نمود چون امکان این که کیفر خواست در شعب کیفری دادگاه ها رد گردد و مورد پذیرش واقع نگردد، وجود دارد. پس فقط با صدور حکم قطعی لازم الاجرا می توان آزادی مشروط را فسخ نمود.

بند اول: آثار و نتایج آزادی مشروط

آزادی مشروط مقدمه آزادی قطعی زندانی است. در این دوره محکوم علیه موقتاً از تحمل باقیمانده مدت مجازات حبس معاف می گردد. اگر مجازات اصلی دارای آثار تبعی باشد این آثار جریان خواهد داشت و مجازات های تتمیمی مانند اقامت اجباری نیز هم چنان به قوت خود باقی خواهد بود. مدت آزادی مشروط، از تاریخ قطعیت صدور حکم آغاز می شود. بدیهی است که مدت آزاد مشروط، علی القاعده شامل بقیه مدت مجازات خواهد بود. اما در قانون مجازات اسلامی قانون گذار در ماده (۴۰) مدت آزادی مشروط را به تشخیص دادگاه واگذار کرده و مدت آن نیز، نباید از ۱ سال کمتر و از ۵ سال زیادتر باشد. از دیگر آثار آزادی مشروط می تواند این باشد که دادگاه نوعی نظارت بر رفتار فرد زندانی در طول دوره آزمایشی به عمل خواهد آورد. اگر دادگاه صادر کننده حکم محدودیتهایی را مانند نوبه ای زندانی آزاد شده مراکز تعیین شده و امثال آن را پذیرفته باشد. خود به خود نوعی نظارت بر رفتار زندانی در طول دوره آزمایشی به عمل خواهد آمد. با تقویت اقدامات حمایتی و تمهید سیاست نظارت در این دوره احتمال این که زندانی آزاد شده سر بلند از این آزمایش بیرون آید فزونی است. اما بعد از آزادی کامل و قطعی زندانی محکومیت کیفری او کماکان باقی در سجل کیفری او محفوظ خواهد ماند. اگر بعد از آزادی مرتکب جرم دیگری شود در حکم تکرار جرم در مورد او اجرا خواهد شد. (محمدی، ۵۵، ۱۳۹۲). سیاست کیفری آزادی مشروط فرصت و مجالی برای مجرمین به حبس است تا با نشان دادن حسن اخلاق و رفتار خود بتوانند به آزادی مطلق برسند و این باعث می شود مجرم برای بازگشت به اجتماع تا حدی که می تواند دست به جرم دیگری نزنند که این خود باعث اصلاح و انطباق اجتماعی بزهکار می شود. که یکی از اهداف مجازات است که در پی آن مجرم از آسیب های منفی زندان نیز دور می ماند و حتی باعث می شود مجرم برای دستیابی به آزادی مشروط از خود مستمراً حسن اخلاق نشان می دهد که این خود تا حدودی باعث بهبود محیط و رفتار دیگر زندانیها نیز می شود و می تواند با ایجاد راهکارهای جدید در قانون و ایجاد شرایطی برای زندانیان که برای دومین یا سومین بار محکوم به حبس شده با توجه به نوع جرم و شرایط روحی و اخلاقی مجرم، آنها نیز بتوانند از

آزادی مشروط استفاده کنند و شاید امیدی هر چند کوچک برای تربیت و بهبود رفتار آنها باشد، اما این شرایط در مورد مجرمینی که از سن پایینی برخوردارند می تواند مؤثر باشد.

بند دوم: تاثیرات اجتماعی آزادی مشروط

آزادی مشروط روش بلندمدت حبس زندانیان می باشد که شباهتی به روش نگهداری متهمان در اردوگاه ها و استفاده از دستگاه های الکترونیکی رایانه ای ندارد. به جای فرستادن به زندان، محکوم برای بازپروری به مرکز مراقبت فرستاده می شود و کلیه ی رفتار وی در فاصله های مختلف زمانی به صورت مرتب گزارش می شود. موقعیت هایی که ممکن است در آزادی مشروط لحاظ شود: اشتغال زایی، اجرای آزمون های تصادفی مواد مخدر اگر مددجو ضوابط و مقررات آزادی مشروط را قبول نکند، مرکز ممکن است پیشنهاد کند که مددجو به زندان برگردد. آزادی مشروط اغلب به علت بعضی از ویژگی ها مانند داشتن لیاقت و شایستگی مددجو تحت مراقبت نبودن و اعمال تنبیه ها و یا ارتکاب جرم مجدد و رسیدگی دقیق نکردن به مددجو مورد انتقاد واقع شود. بسیاری آزادی مشروط را رد نموده اند زیرا بر اساس مطالعات شرکت راند در لس آنجلس و آلمدا در کالیفرنیا، معتقدند متهمانی که در آزادی مشروط به سر می برند احتمال ارتکاب به جرم جدید از آن ها انتظار می رود. همچنین این شرکت اعلام کرده است که ۶۵ درصد از زندانیان متفرقه طی سه سال مجددا دستگیر شده و ۵۱ درصد به واسطه ی جرایم جدید محکوم شده اند اما با وجود این مطالعات گسترده ای انجام گرفته که بیان می کند میزان بازگشت مجدد کاهش چشمگیری یافته است. مطالعات KENTUCKY نشان داده است که فقط ۲۲ درصد از زندانیان تبهکار مجددا دستگیر شده و ۱۸ درصد دیگر به واسطه ی جرایم عمومی طی سه سال دستگیر شده اند. مطالعات MISSOUR نیز بیان داشته است که ۲۲ درصد از زندانیان مجددا دستگیر و طی یک دوره ۴۰ ماهه ۱۲ درصد مجددا مرتکب جرم شده اند. مطالعاتی که بیان شده این است که ده هزار مورد در ۱۶ حوزه ی قضایی بررسی و ۳۴ درصد از متهمان طی ۳۳ ماه دوباره دستگیر شده اند و طبق تحقیقات احتمال ارتکاب به جرم متهمین مواد مخدر نسبت به دیگر جرایم کمتر است. اولین مطالعات تجزیه و تحلیل آزادی مشروط در نیو جرسی در مورد دو هزار مددجو صورت گرفته که بیان می کند ۴۷ درصد از متهمان تبهکار به علت سرقت و جیب بری طی ۴ سال و ۳۰ درصد از متهمان به

علت مواد مخدر و ۴۰ درصد به علت جرایم دیگر دستگیر شده‌اند. قابل توجه است که ۳۱ درصد به علت جیب‌بری، ۳۲ درصد سرقت، ۱۴ درصد مواد مخدر مرتکب جرم شده‌اند. احتمال ارتکاب به جرم مجدد توسط سارقان و جیب‌برها خیلی شبیه به مددجویان تحت نظارت آزادی مشروط می‌باشد. اما احتمال ارتکاب به جرم مواد مخدر بسیار پایین‌تر می‌باشد.

نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی مقاله حاضر باید گفت آزادی مشروط وسیله ای است تا محکومان به حبس برای بدست آوردن آن باید مسیر درست را تجربه نمایند و نگرش خود را تغییر دهند تا با احراز این امر توسط مسئولان مربوطه، از آن بهره‌مند گردند. اجرای آزادی مشروط در جهت نفع محکوم و جامعه می‌تواند به اصلاح و تربیت بزه کار کمک کند و او را برای بازگشت قطعی به کانون خانواده و جامعه خویش ترغیب نماید. دقت در اعطای این آزادی، تحت مراقبت قرار دادن محکوم در طول مدت آزادی مشروط و ایجاد امکانات برای اجتماعی شدن فرد، از مسائلی است که دقت در آن می‌تواند تأثیر این بنیاد اساسی حقوق را نشان دهد. قانونگذار ایران نیز بنا بر اهمیت این نهاد حقوقی هم در قانون قدیم و هم در قانون جدید مواد مختلفی را به این موضوع اختصاص داد. در باب طبیعت مجازات در قانون قبلی یکی از شرایط آزادی مشروط منوط بر این بود که مجرم برای بار اول به حبس محکوم گردد. این امر متضمن این بود که فرد می‌بایست محکومیت حبس در پرونده کیفری خویش نداشته باشد. همان گونه که در تحقیق حاضر بحث گردید در قانون جدید چنین امری پیش بینی نگردیده و در عوض قانونگذار استفاده از آزادی مشروط را منوط به عدم استفاده قبلی نموده است. این امر نتیجه ای که در پی دارد این است که مجرمینی که سابق براین جرایم سنگین مرتکب شده، در صورت انجام مجدد جرم همسان یا حتی شدیدتر بتوانند از آزادی مشروط استفاده نمایند که به نظر می‌رسد با توجه به فلسفه آزادی مشروط نقض غرض باشد. به هر شکل باید توجه داشت مجازات زندان افزون به بازدارندگی عام، دفاع اجتماعی را به ویژه در جرمهای مهم به خوبی فراهم می‌کند اما جامعه با گذشت زمان با شدت و خشونت آن مجازاتهای خوی می‌گیرد و زمانی که جامعه دیگر در حد انتظار قانونگذار از آن مجازاتها

بازدارنده نمی‌شود و عوارض و معایب ناگوار فریدیو اجتماعی زندان (فاسد شدن تدریجی، ابتلا به بیماری‌های روانی و حمایتی، از هم گسیختگی خانواده و...) و جامعه رادچار تورم جمعیت کیفری و جرم زدایی فزاینده می‌کند و خوشبختانه قانونگذار ایران از دیرباز با پذیرش تاسیس قضایی آزادی مشروط گامهای موثری در اجرای سیاست کیفر زدایی و به‌طور خاص زندان زدایی برداشته است که در جهت نفع محکوم و جامعه می‌تواند به اصلاح و تربیت بزهکار کمک کند و او را بازگشت قطعی به کانون خانواده و جامعه خویش ترغیب و تشویق نماید لازمه این عمل اصلاح و ایجاد زیرساخت‌هایی در دستگاه قضا و سازمان زندانها می‌باشد.

منابع و مآخذ

الف) کتب فارسی

- اخوت، محمد علی، تفصیل مسائل حقوق جزای عمومی، صابریون، چاپ سوم، تهران، ۱۳۹۸
- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۰
- ایمانی، عباس، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، گنج دانش، چاپ سوم، تهران، ۱۳۹۸
- آخوندی، محمود، آئین دادرسی کیفری، جلد سوم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ ششم، تهران، ۱۳۹۳
- پاد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸
- الجبلی العاملی، زین الدین، الروضه البهیه فی شرح اللعنه الدمشقیه، ج ۹ جامعه النجف الاشرف
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ نوزدهم، گنج دانش، تهران، ۱۳۸۷
- حبیب زاده، محمد جعفر؛ سرقت در حقوق کیفری ایران، تهران، دادگستر، ۱۳۸۵، چاپ اول، ج اول
- حجتی، سید مهدی؛ قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، تهران، میثاق عدالت، ۱۳۸۴، چاپ اول، ج اول
- حسینی شیرازی، سید محمد، الفقه، ج ۸۸، ص ۲۱۴، بیروت، دارالعلوم، چاپ دوم، ۱۴۰۹
- خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۳۵، مساله ۳، قم، دفتر نشر اسلامی، ۱۳۶۳
- دانش، تاج زمان، حقوق زندانیان و علم زندانها، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸

- زراعت، عباس، حقوق جزای عمومی ۳، انتشارات جاودانه، جلد سوم، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۲
- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، تهران: ویستار، دوم ۱۳۷۴
- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، انتشارات ویستار، تهران، ۱۳۷۲
- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، ص ۳۴ چاپ اول، تهران، ویستار، ۱۳۷۵
- شیخاوندی، داور، جامعه شناسی انحرافات: (مسائل جامعه‌ی)، ایران نما، زمستان، ۱۳۸۸
- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، انتشارات دانشگاه ملی ایران، جلد دوم، تهران، ۱۳۵۲
- طباطبایی، سید علی، ریاض المسائل، ج ۲، ص ۴۹۸، قم، آل البیت، ۱۴۰۴، ه.ق.
- علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، ج ۲، چاپ: پنجم، تهران، فردوسی، ۱۳۶۸
- فیض کاشانی، محسن تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۳، چاپ اول، قم، دارالمرتضی.
- گارو، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، ترجمه سید ضیاءالدین نقابت، جلد دوم، چاپ اول، ۱۳۷۵
- گلپایگانی، محمد رضا، الدر المنضود فی احکام الحدود، ج ۳، چاپ اول، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۷، ه.ق.
- گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی ۳-۲-۱، چاپ هفتم، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۲
- لازرژ، کریستین، سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ اول، نشر یلدا، ۱۳۷۵

- محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی (پدیده جنائی)، ج ۲، چاپ اول، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۵
- میر محمد صادقی، حسین، جرائم علیه اموال و مالکیت، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۶
- میر محمد صادقی، حسین؛ حقوق کیفری اختصاصی (جرائم علیه اموال و مالکیت) تهران، میزان، ۱۳۸۳، چاپ اول، ج ۱۱
- نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، کتابخانه گنج دانش، چاپ ۲۸، نشر دادآفرین، تهران، ۱۳۸۹
- ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای عمومی، جلد چهارم، چاپ دوم، دفتر نشر داد، تهران، ۱۳۷۵
- هدایت الله ستوده، آسیب شناسی اجتماعی: (جامه شناسی انحرافات)، تهران، آوای نور، ۱۳۸۰

ب) مقالات

- ترنر، سوزان و پتر سیلیا، جون و پیپر دشنر، الیزابت، ارزیابی برنامه نظارت فشرده برای بزه کاران مواد مخدر در تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط، ترجمه مهرداد رایجیان اصلی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۶
- دامغانی، محمد تقی، معایب تخفیف مجازات و مزایای آزادی مشروط، نشریه حقوقی کانون وکلای دادگستری، ش ۷۰، ۱۳۳۹
- سلیمان یزدی، حسین، «آزادی مشروط» مجله حقوقی وزارت دادگستری، شماره ۱۰، ۱۳۵۴
- شاهکار، محمد، محکومیت مشروط-عفو قضایی-آزادی مشروط، نشریه حقوقی کانون وکلای دادگستری، دوره اول، ش ۲۴، ۱۳۳۱
- کارکیا، محمد تقی، آزادی مشروط، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۹ و ۱۰، ۱۳۳۹

- کارمزدی، عبدالکریم، آزادی مشروط زندانیان، مجله دادرسی، شماره یک،

۱۳۷۶

ج) منابع لاتین

- *Black and Asian Probations Probation Journals, Sage. Pablication, ۱۹۹۸*
- *Burleigh Edith N. Probation and Parole Journal of Criminal Law and Criminology , ۲۰۱۲*
- *Charles T. Mc Cormilck, yale , Law Jownali The Parole as a Procedural Device for Conrol of Jury , Vol. ۴۱, No ۳ , ۱۹۳۲-*
- *Cohen N. P. & Goberr JJ., Law of Probation and Paroles, Colorado Springs Publication, ۱۹۸۳.*
- *Stiff Colum.J, National Confe renco of Britalh Juducoal State Legislation Forum of British Ideas, ۱۹۹۳*